



مسابقه برای

جلب حمایت امپریالیسم آمریکا

در پی اشغال نظامی عراق توسط آمریکا و انگلیس، جمهوری اسلامی و گروه‌های اپوزیسیون بورژوازی رژیم برای جلب حمایت و پشتیبانی آمریکا با یکدیگر مسابقه گذاشته‌اند. اخبار و گزارشاتی که در چند روز اخیر انتشار یافته، نشان می‌دهند که هردو در تلاش‌اند، خود را مناسب‌ترین نیرویی که با تحولات جدید منطقه انطباق و هم‌آهنگی دارند و بهتر قادرند سیاست‌های امپریالیسم آمریکا را در ایران پیش ببرند معرفی نمایند. آمریکا نیز می‌کوشد که با استفاده از این هر دو، بیشترین بهره‌برداری را در خدمت اهداف و مقاصد خود داشته باشد. در خط مقدم این تلاش، رژیم جمهوری اسلامی است که بیش از هر زمان دیگر نگران سرنوشت و آینده خود است. تحولاتی که از یک سال و نیم پیش با سرنگونی طالبان در افغانستان و استراتژی آمریکا برای سلطه یک‌پارچه بر منطقه خاور میانه آغاز شده است، رژیم جمهوری اسلامی را شدیداً نگران ساخته است. این‌نگرانی تنها از آن رو نیست که در جریان این تحولات بنیاد گرای اسلامی نیز زیر ضرب قرار گرفته و یا لاقلاً دیگر نمی‌تواند نقش گذشته خود را در معادلات سیاسی منطقه ایفا نماید، بلکه به‌ویژه از آن روست که این تحولات در منطقه با یک بحران سیاسی هم‌زمان شده است که رژیم جمهوری اسلامی در خود ایران با آن روبروست.

سقوط رژیم صدام و اشغال نظامی عراق توسط آمریکا، موقعیت رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش متزلزل ساخت و تردیدی بر سران رژیم باقی نگذاشت که با این تحولاتی که به سرعت به نفع آمریکا و رقیب جمهوری اسلامی، اسرائیل در جریان است، روند

صفحه ۲

طبقه کارگر و برگزاری اول ماه مه در ایران

گرفته بود، عواقب اجتماعات و تظاهرات کارگری را غیر قابل پیش بینی می‌ساخت. تظاهرات و راهپیمایی کارگران در تهران، هرآینه می‌توانست حمایت و همبستگی سایر اقشار زحمتکش مردم را به خود جلب کند و به یک تظاهرات عمومی پر قدرت و برآمد توده‌ای که پرچمش را کارگر برافراشته است مبدل کند. نمونه تظاهرات کارگران چیت سازی به شهر در برابر چشم رژیم قرار داشت و این مسئله‌ی روشنی بود که به میدان آمدن کارگران، مهره‌ها و نهادهای به اصطلاح کارگری رژیم را، بسان خاشاکی، حقیرانه به کنار خواهد زد. براین پایه، رژیم جرات آن را نداشت و نمی‌توانست به درخواست سرسپردگان خود برای یک راهپیمایی آرام، جواز صادر کند و به بهانه مصادف شدن ۱۱ اردیبهشت با روز وفات محمد پیامبر اسلام، با آن مخالفت کرد.

خانه کارگر با گرفتن پز نارضایتی از این مسئله، خواست که خود راه کارگران نزدیک نشان بدهد و چنین وانمود سازد که با تصمیم دولت مخالف است و حالا که دولت با راه - پیمایی کارگران موافقت نکرده است، این نهاد هم مثلاً به عنوان اعتراض از برگزاری هرگونه مراسمی امتناع می‌کند و تجمع کارگری را به روز ۲۵ تیر موکول کرد! در صحنه این تانتر، اما چهره واقعی این بازیگران شناخته شده بود و هرکارگر نیمه آگاهی می‌دانست و می‌داند که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، پیش برنده تصمیمات و سیاست‌های دولت هستند چنان‌که بعداً هم کارگران شاهد بودند که این نهادها هم‌مجا در برخورد

صفحه ۳

کارگران ایران امسال در شرایط ویژه‌ای به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر رفتند. در آغاز، خانه کارگر از وزارت کشور اجازه خواست که کارگران در روز یازده اردیبهشت، به سمت وزارت کار راه پیمایی کنند و تضمین داد که با مراقبت و اعمال کنترل این نهاد، راهپیمایی کارگران، در کمال آرامش برگزار شود. رژیم که می‌دانست خانه کارگردرمیان کارگران فاقد اعتبار و نفوذ تعیین کننده است و اکثریت کارگران به این نهاد، مطلقاً بی اعتماد هستند، بدیهی بود که نسبت به قدرت کنترل کننده این نهاد تردید کند و تضمین‌های توخالی سران آن را به هیچ گیرد. به ویژه آن که، باره‌ابه تجربه ثابت شده بود، اجتماعاتی که این نهاد، با نیت و مقاصد ویژه خود برپا می‌کند سعی می‌کند آن را مهار و کنترل نموده و هر طور که خواست هدایت کند، در عمل، خود کارگران ابتکار عمل را به دست می‌گیرند و چه بسا، نقشه‌های این نهاد ارتجاعی رانقش برآب می‌کنند. در عین حال شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی امسال، از سال گذشته و سال‌های گذشته بسیار حساس تر شده بود. نه فقط اوضاع عمومی در کارخانه‌ها و محیط‌های کارگری بحرانی تر شده بود و نارضایتی - های کارگری و روحیه اعتراضی در این محیط‌ها بالاتر رفته بود و نه فقط نارضایتی عمومی توده‌های مردم نیز افزایش یافته بود، بلکه در جو سیاسی متأثر از تحولات منطقه به‌ویژه حمله نظامی آمریکا به عراق و اشغال آن که جامعه، حالتی شبیه به انتظار وقوع یک حادثه یا انفجار را به خود

مراسم اول ماه مه، روز مبارزه با استثمار و جنگ طلبی

گزارش مراسم روز جهانی کارگر در جهان

تظاهرات اول ماه مه در برلین هر ساله با حمله پلیس همراه بوده است. در این روز علاوه بر نیروهای انقلابی و چپ، دست راستی‌ها با حمایت کامل پلیس دست به راهپیمایی می‌زنند و شعارهای راسیستی می‌دهند. در سایر شهرهای آلمان تظاهرات و میتینگ‌های متعددی برگزار شد که طی آن کارگران به سیاست‌های اقتصادی دولت آلمان،

صفحه ۶

میلون‌ها نفر در سراسر جهان روز جهانی کارگر را با برپایی میتینگ و تظاهرات گرامی داشتند. بزرگداشت این روز در آلمان از اولین ساعات نیمه شب آغاز شد. در برلین صدها نفر در اولین ساعات روز اول ماه مه، دست به تظاهرات زدند که با حمله پلیس مواجه شدند. در جریان درگیری بین تظاهرکنندگان و پلیس، دهها تن مجروح شدند. طی ۱۷ سال گذشته

در این شماره

- ۴ سخنی کوتاه
- خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها
- ۷ و بیانیه‌های سازمان
- ۴ اخبار کارگری جهان
- ۲ اخباری از ایران

بحرانی جدید در پیش است

مسابقه برای جلب حمایت امپریالیسم آمریکا

سرنوشتی رژیم تسریع خواهد شد. لذا به اقدامات خود برای نزدیکی به آمریکا و تلاش برای محدود کردن دامنه تاثیر تحولات منطقه ای بر ایران، شتاب بخشیدند. رژیم جمهوری اسلامی اکنون تقریباً در محاصره کامل سیاسی و نظامی آمریکا قرار گرفته است. نیروهای نظامی آمریکا در پشت مرزهای ایران در منطقه خلیج فارس، افغانستان و عراق وسیعاً استقرار یافته اند. در دیگر کشورهای همجوار ایران نیز آمریکا دارای پایگاههای نظامی است. رژیم های سیاسی حاکم بر این کشورها گوش به فرمان آمریکا و تابع سیاست های آن هستند. لذا حلقه محاصره کامل است. همین وضعیت سیاسی و نظامی به تنهایی کافی است که جمهوری اسلامی حساب کار خود را کرده باشد. یعنی با چنین موازنه سیاسی و نظامی، امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد سیاست خود در ایران و تسویه حساب با جمهوری اسلامی، حتی نیازی به جنگ و توسل به نیروی نظامی نخواهد داشت. هر چند که این راه نمی توان نفی کرد که تحت شرایط ویژه ای ممکن است آمریکا از نیروی نظامی نیز برای پیشبرد سیاست های خود در قبال جمهوری اسلامی استفاده کند. اما این شرایط عجلالتاً موجود نیست. در بطن چنین شرایط سیاسی و نظامی است که سران رژیم جمهوری اسلامی به تکاپو افتاده اند تا هرچه سریع تر بتوانند مسائل مورد اختلاف با آمریکا را حل کنند و حمایت آن را برای ادامه حیات خود به دست آورند. با وساطت دولت انگلیس حتی پیش از حمله نظامی به عراق، مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی و آمریکا در جریان بوده است و آنها به توافقات محرمانه ای دست یافته اند. از جمله این توافقات، همکاری جمهوری اسلامی با دولت آمریکا و انگلیس در جریان سرنوشتی صدام و اشغال نظامی عراق است که پس از سفر وزیر خارجه انگلیس به ایران صورت گرفت. این مذاکرات و توافقات از سوی جمهوری اسلامی پس از استقرار نیروهای نظامی آمریکا در عراق شتاب بیشتری به خود گرفته است. چرا که دولت آمریکا در همان حال که با جمهوری اسلامی در حال مذاکره است، در تدارک شکل دادن به یک نیروی متحد از اپوزیسیون بورژوازی حکومت اسلامی است.

آمریکابانقشی که به ویژه در اوضاع کنونی جهان در منطقه خاورمیانه پیدا کرده است و با توجه به برنامه های آتی خود در این منطقه، از جهات مختلف به یک نیروی قوی از اپوزیسیون های بورژوازی ایران نیاز دارد.

اولاً- در حالی که مذاکرات مستقیم و علنی خود را با جمهوری اسلامی آغاز کرده است، می خواهد از آن به عنوان اهرم فشاری برای واداشتن رژیم جمهوری اسلامی به پذیرش تمام خواست های خود استفاده کند. ثانیاً- چنانچه جمهوری اسلامی در برابر همه

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران نساجی رحیم زاده

دوشنبه نهم اردیبهشت، بیش از ۱۵۰ تن از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی رحیم زاده اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، در برابر دفتر امام جمعه اصفهان دست به تجمع زدند. لازم به ذکر است که پس از واگذاری این کارخانه، طی چند سال گذشته از ۷۲۰ کارگر این کارخانه ۳۰۰ نفر اخراج و بازخرید شده اند و در حال حاضر این کارخانه بایک ششم تا یک چهارم ظرفیت خود کار می کند. کارفرما به بهانه کمبود نقدینگی و مواد اولیه، در صدد اخراج کارگران است و هم اکنون بیش از هشت ماه است حقوق کارگران را نپرداخته است. کارگران نسبت به این زور گویی ها اعتراض دارند، خواهان پرداخت حقوق های عقب افتاده، ادامه کاری کارخانه و ضمانت شغلی می باشند.

* تجمع اعتراضی کارگران نازنخ

کارگران کارخانه نازنخ قزوین، روز دهم اردیبهشت ماه برای چندمین بار دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر کارخانه، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

* تجمع کارگران در برابر وزارت کار

دهها تن از کارگران شرکت ماشین های اداری بعثت سازنده انواع چاپگرهای اسناد دولتی، بانکی، و تجهیزات استودیوهای صدا برداری، روز نهم اردیبهشت ماه در برابر وزارت کار تجمع کردند و خواهان ادامه کاری کارخانه و ضمانت شغلی خود شدند. مدیر عامل شرکت، به بهانه ورشکستگی و اذیت و آزار بازرسان اداره کار و امور اجتماعی، بیمه و ماموران مالیاتی، شرکت را تعطیل کرده است.

* تجمع اعتراضی کارگران ماشین سازی

کارگران و کارکنان ماشین سازی لرستان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود و پائین بودن دستمزدها، روز ۱۵ اردیبهشت، دست به اعتصاب و تجمع زدند. اعتراض کنندگان خواستار پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده و ضمانت شغلی هستند.

* تجمع اعتراضی اهالی خاور شهر

اهالی خاور شهر تهران روز ۱۴ اردیبهشت در اعتراض به عدم ارائه خدمات و امکانات شهری از جمله عدم آبرسانی همچنین گرانی قیمت آب و پائین بودن کیفیت آب شرب،

خواست های آمریکا تمکین کند، لازم است یک تحول سیاسی در درون خود ایران نیز خواهد بود که بخش اصلی آن سهیم شدن آن گروه از جریان های سیاسی در قدرت سیاسی خواهد بود که از یک سو آمریکا به آنها اعتماد کامل دارد و از سوی دیگر در واقع آنها هستند که قادرند سیاست های آمریکا را به خوبی به پیش ببرند و تحولات مورد نظر آمریکا را به مرحله اجرا در آورند. این البته نمایشی از برقراری دموکراسی در ایران نیز خواهد بود.

ثالثاً- چنانچه جمهوری اسلامی، نخواهد و یا نتواند به قول مقامات آمریکایی خود را با تحولات منطقه هم آهنگ سازد و برکناری آن در دستور کار قرار گیرد، آنگاه یک نیروی حی و حاضر و قوی برای جایگزین کردن جمهور اسلامی در اختیار خواهد داشت و با مسائلی که اکنون در عراق با آنها روبرو است درگیر نخواهد بود. این مسئله از آن رو حائز اهمیت است که معضل جمهوری اسلامی و آمریکا در یک نقطه لاینحل باقی خواهد ماند. جمهوری اسلامی از هم اکنون آمادگی خود را برای حل مسائل مورد اختلاف با آمریکا در عرصه سیاست خارجی اعلام کرده است. جمهوری اسلامی، اکنون در وضعیتی قرار دارد که خواست آمریکا را مبنی بر عدم حمایت لاقفل نظامی و احیانا مالی از گروه های تروریست اسلام گرا، عدم مداخله در امور داخلی عراق و افغانستان، عدم مخالفت با طرح آمریکا برای حل مسئله فلسطین به راحتی می پذیرد. برنامه های اتمی جمهوری اسلامی نیز هر دو طرف به خوبی می دانند که مانوری تبلیغاتی است. آمریکا از آن به عنوان اهرم فشار تبلیغاتی علیه رژیم جمهوری اسلامی استفاده می کند و رژیم جمهوری اسلامی هم می خواهد از طریق آن، مانور بدهد و امتیاز بگیرد. بنابراین مسئله جدی مورد اختلاف طرفین نیست. اختلاف درست در آنجایی لاینحل می ماند که به مسائل داخلی کشیده می شود. در این جاست که به ویژه جناح مسلط هیئت حاکمه به مخالفت برمی خیزد و مقاومت خواهد کرد. چرا که می داند، این مسئله به هر شکل که پیش رود به معنای پایان جمهوری اسلامی در شکل و شمایل کنونی آن خواهد بود. معضل جمهوری اسلامی هم درست در همین جاست. در این جاست که اپوزیسیون بورژوازی که تحت رهبری آمریکامتحد شده است، می باید در نقش الیترناتیو ظاهر شود.

با توجه به این واقعیت و چشم انداز تحولات آتی منطقه به ویژه در رابطه با ایران است که اپوزیسیون بورژوازی رژیم نیز به شدت در تلاش است که از حمایت آمریکا برخوردار گردد و برای خود جایگاهی در تحولات آتی جستجو کند. در صف مقدم این اپوزیسیون بورژوازی گروه ها و سازمان های سلطنت طلب

طبقه کارگر و برگزاری اول ماه مه در ایران

به اول ماه مه روز جهانی کارگر، آن طور که رژیم می خواست عمل کردند و سعی کردند روز کارگر راتحت الشعاع مراسم مذهبی قرار دهند و اینجا و آنجا با سازماندهی مراسمی به همین مناسبت، اصل قضیه، یعنی روز کارگر و خواست های کارگری را ماستمالی کنند. پاسخ کارگران به این عوامفریبان آبروپاخته و نوکران بورژوازی در درون جنبش کارگری، معلوم بود. مراسم فرمایشی تشکل های رژیم، همجا وسیعا از جانب کارگران بایکوت شد و درهرجا که شماری از کارگران به علل خاصی در این نوع مراسم شرکت کرده بودند، از این تریبون استفاده کردند و علیه سیاست های رژیم و پیرامون مشکلات خود سخن گفتند. در مراسم خانه کارگر تهران در روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت که در معیت فرمانده نیروهای انتظامی تهران این قلع و قمع کننده اعتصابات و تظاهرات کارگری برگزار شد، وقتی که حسن صادقی مشغول صحبت و توجیه کردن وضعیت موجود بود، عده ای از کارگران با سر دادن شعارهایی، سخنان وی را قطع کردند و در حالی که پلاکاردهایی که بر آن، " مرگ بر سرمایه دار" و " مرگ براستعمار" نوشته شده بود، در میان کارگران دیده می شد، نسبت به عدم کفایت دستمزد ها، محرومیت از حق اعتراض و اعتصاب و سیاست های سرکوب- گرانه رژیم اعتراض کردند و در پایان تجمع نیز خواهان قطع قرائت قطعنامه شدند. در عین حال کارگری از میان جمعیت پشت تریبون رفت و گفت " ۲۵ سال است که به کارگران جز دروغ و وعده چیز دیگری داده نمی شود!" غیر از تهران، در برخی دیگر از شهرها، به ویژه در شهرهای کردستان از جمله سنقر و سنندج نیز، رژیم با جلوانداختن تشکیلات دست ساز خود، مراسمی نمایشی با رنگ و بوی مذهبی برگزار نمود که بابت اعتنایی و تحریم کارگران روبرو گردید.

معذابه رغم ممنوعیت برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه توسط کارگران، در اکثر شهرهای بزرگ، کارگران ایران روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. هرجا توانستند با برگزاری مراسم علنی و در اکثر موارد، به صورت غیر علنی و به شیوه ها و اشکال مختلفی این روز را جشن گرفتند و همبستگی خویش را با کار- گران درسراسر جهان اعلام داشتند. در تهران صدها تن از کارگران و فعالین کارگری، از جمله کارگران فلزکار مکانیک تهران، بافنده سوزنی، خباز، انجمن صنفی برق صنعتی و انجمن صنفی سنگرکارها، روز ۱۱ اردیبهشت در استادبومی واقع در جاده ساوه، تجمع کردند و به استقبال روز جهانی کارگر رفتند. افزون بر این، چندین مراسم دیگر در پارکها و اماکنی در اطراف تهران و کرج برگزار گردید که هزاران تن از کارگران صنایع و کارخانه - های کرج و تهران و اعضاء خانواده آنها در آن شرکت کردند. در اهواز بیش از ۳۰۰ تن از کارگران روز اول ماه مه دست به تظاهرات زدند.

در خراسان، آذربایجان، فارس و برخی دیگر از استان ها نیز، کارگران عمدتا به صورت مخفیانه و یا با استفاده از پوشش های طبیعی، مراسمی در گرامیداشت روز جهانی کارگر برگزار نمودند. در کردستان نیز بعد از مخالفت رژیم با برگزاری مراسم مستقل و علنی اول ماه مه، به دعوت کارگران بوکان، مراسمی در بزرگداشت روز جهانی کارگر در بیرون از شهر به صورت مخفیانه برگزار گردید که کارگران سنقر و مهاباد نیز در آن شرکت داشتند. در سنندج و برخی دیگر از شهرهای کردستان نیز، کارگران در اشکال مختلفی این روز را گرامی داشتند.

برخلاف مراسم خانه کارگر و شورا های اسلامی کار که در کمربند کردن و به حاشیه راندن روز جهانی کارگر و دادن رنگ و بوی مذهبی به این مراسم و تحت الشعاع قرار دادن آن با این یا آن آئین ارتجاعی و مذهبی که گاه حثاتا نوحه خوانی و سینه زنی هم تداوم یافت و در نهایت فقط به برخی جنبه های وضعیت کار و زندگی کارگران و خواست های کارگری آن هم به طور ناقص و گذرا اشاره شد، در مراسم متعدد مستقلی که از سوی کارگران برگزار شد، کار- گران با اجرای شعر خوانی و ترانه سروده های انقلابی و پخش گل و شیرینی این روز را جشن گرفتند. در این مراسم که فعالیت و مشارکت زنان کارگر بسیار چشم گیر بود، افزون بر سخن رانی پیرامون اوضاع اقتصادی و معیشتی کارگران، مطالبی پیرامون تاریخچه اول ماه مه، تاریخچه سندیکاها، ضرورت اتحاد و یک پارچگی کارگران در برابر سرمایه داران، نفی استثمار و نظام سرمایه داری و پیرامون راه نجات کارگران از این نظام نیز قرائت گردید و همه جا بر همبستگی بین المللی کارگران تاکید شد. کارگران باتصویب و صدور قطعنامه هایی، صریح و روشن به طرح خواست های خویش پرداخته و خواستار افزایش دستمزدها، برابری حقوق زنان و مردان کارگر، حق تشکل و اعتصاب، قرار گرفتن کلیه کارگران زیر پوشش قانون کار، خروج ائتلاف امپریالیستی به رهبری آمریکا از عراق، توقف خصوصی سازی ها، پرداخت حقوق های عقب افتاده و تضمین شغلی شدند.

این درست است که رژیم از وحشت اوج گیری اعتراض و مبارزه کارگری برای طرح خواست ها و مطالبات خویش، از برگزاری علنی مراسم اول ماه مه ممانعت به عمل آورد، اما اولا برگزاری مراسم اول ماه مه در همین ابعادی که فوقا به آن اشاره شد آنهم در شرایط خفقان و سرکوب پلیسی و بهرغم ممنوعیت آن، بیانگر آگاهی کارگران از اهمیت روز جهانی کارگر به عنوان روز ابراز وجود طبقه کارگر در برابر طبقه سرمایه دار است. ثانيا تا آنجا که مسئله به خواست ها و مطالبات، مادام که می گردد، این خواست ها و مطالبات، مادام که پاسخی نگرفته اند باقی خواهند ماند و مبارزات کارگری برای دست یابی به آن ادامه خواهد

یافت. شرایط بسیار وخامت بار اقتصادی و معیشتی، بی حقوقی مفرط و وضعیت به غایت مشقت باری که سرمایه داران و دولت آنها بر کارگران ایران و خانواده های کارگری تحمیل کرده اند فوق العاده دشوار و حقیقتا از حد و حدود تحمل کارگران خارج شده است. وخامت اوضاع به جایی رسیده است که این موضوع حتا در قطعنامه پایانی مراسم خانه کارگری ها در تهران نیز انعکاس یافته و چنین آمده است: " عرصه به شدت برای نیروی کار تنگ شده و این زحمتکش اجتماعی بیش از این نه تنها نمی تواند تحمل مصائب موجود را داشته باشد، بلکه حجم مشکلات به نوعی بر ما چیره شده که بی تردید در آینده قادر نخواهیم بود برخی مصلحت اندیشی ها را که تا کنون به آن پای بند بودیم رعایت کنیم"

وقتی که خانه کارگرتا این حد از " مصائب" و " حجم مشکلات" شکوه می کند، تصور اوضاع واقعی چندان مشکل نیست. واقعیت آن است که هم اکنون خشم و کینه تراکم یافته در محیط های کارگری، ناراضیاتی و روحیه اعتراضی در میان کارگران به قدری بالاست که کارگزاران رژیم که خود در این محیط ها حضور دارند، مرتبا دارند آن راهشدار می دهند و برای پیش گیری از انفجار این خشم راه جویی می کنند. چند روز پیش آقای اسماعیل محمد ولی عضو تحریریه روزنامه کار و کارگر در گفتگو با رادیو فرانسه گفت:

" آن چه در محیط های کارگری مشاهده می شود یک خشم عمومی هستش یعنی این خشم اگر قدرت ابراز پیدا نکند زیر زمینی می شود و آن وقت ما با یکاتفاقی برخورد می کنیم مثل اتفاقی که در مورد دانشجویان افتاد" نامبرده با آوردن یک مثال، خطر به خیابان آمدن کار- گران را چنین تصویر می کند:

" تظاهرات اخیر ماه شهر فکر می کنم دلیل قانع کننده ای باشد برای این که به هر حال ما داریم به بن بست می رسیم. ماه شهر با ۵۰۰ کارگر وقتی وارد خیابان ها شدند ۲۰۰ نفر شدند!" راست این است که رژیم و کارگزاران رنگارنگ آن از برآمد طبقه کارگر سخت وحشت دارند. اول ماه مه این را نشان داد و در عین حال نشان داد که کارگران به اهمیت همبستگی طبقاتی و ضرورت اتحاد خویش واقف اند. از طرف دیگر در تحولات آتی و چند و چون آن، نقش طبقه کارگر، نقشی منحصر به فرد و بلاتردید از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است به نحوی که هیچکس نمی تواند این طبقه را از محاسبات سیاسی خود حذف کند و یا در این تحولات آن را نادیده بگیرد. از همین جاست که فلان انجمن اسلامی وابسته به دفتر تحکیم وحدت یا رضا پهلوی و امثال این ها نیز اول ماه را کشف می کنند و به این مناسبت اطلاعی می دهند! اینان نیز از این طریق بر نقش بی همتای طبقه کارگر صحنه می نهند. جامعه بی صبرانه در انتظار ورود طبقه کارگر به صحنه است و کارگران راه دیگری ندارند جز آن که متحد و یک پارچه به میدان آیند، مهر خویش را بر تحولات آتی بکوبند تا خود و جامعه را رها سازند.

اخبار کارگری جهان

* آمریکا:

اعتصاب کارگران Lockheed Martin

روز ۱۴ آوریل، بیش از چهار هزار نفر از کارگران کارخانه هواپیماسازی Lockheed Martin در شهر Fort Worth واقع در ایالت تگزاس برای مدت نامحدود دست از کار کشیدند. در پی به بن بست رسیدن مذاکرات نمایندگان کارگران و کارفرمایان تجدید قراردادهای دسته جمعی برای ۳ سال آینده، بخشی از کارگران این کارخانه به این حرکت اعتراضی دست زدند. بلافاصله پس از آغاز این اعتصاب، کارگران در مقابل یکی از درب های ورودی کارخانه تجمع کرده و با پخش تراکت و اطلاعیه، علل اعتصاب و خواسته های خود را به گوش مردم رساندند. کارگران اعتصابی می گویند که در چند سال گذشته، مدیریت این مجتمع صنعتی از کارگران خواسته بود که به دلیل مشکلات مالی عجالتاً از خواست خود مبنی بر افزایش دستمزدها صرف نظر کرده و در مقابل وعده داده بود که در صورت بهبود شرایط مالی کارخانه، مجدداً دستمزدها متناسب با نرخ تورم افزایش یابد. اما اکنون وضع به گونه ای دیگر است. سردمداران جنگ طلب هیئت حاکمه آمریکا، که خود از سهامداران اصلی صنایع نظامی آمریکا هستند، انبوهی از قرار دادهای مختلف برای تولید انواع و اقسام هواپیما و قطعات یدکی مورد لزوم تجهیزات نظامی ارتش را به سوی این کارخانه سرازیر نموده و سود حاصل از تولید این سلاح های مرگبار هم که مستقیماً به جیب گشاد سهام داران و عوامل ریز و درشت آنها سرازیر شده است، در چند سال گذشته بی سابقه بوده است. به همین دلیل کارگران خواهان افزایش دستمزدها به میزان ۱۵ درصد هستند. اما سرمایه داران، تنها مخالف افزایش دستمزد کارگران نیستند، بلکه افزایش سهم کارگران از بیمه های درمانی نیز یکی دیگر از اهداف سرمایه داران در این مرحله است. هزینه نجومی جنگ ویرانگر امپریالیست ها علیه مردم بی دفاع عراق باید اکنون با کاهش سهم سرمایه داران از بیمه های درمانی کارگران جبران شود. اما کارگران به این ترفند سرمایه داران یک صدا نه گفته و نشان دادند که تبلیغات شوینیستی سرمایه نمی تواند آنها را فریب دهد.

اکنون با شروع این اعتصاب صاحبان این مجتمع صنعتی تلاش دارند که این حرکت اعتراضی را با بی اعتنائی و استفاده از "اعتصاب شکنان" پاسخ بگویند. اما در این زمینه هم با شکست روبرو می گردند. کارگران هنوز مبارزات یک پارچه خود در تابستان سال ۲۰۰۰ را فراموش نکرده اند. آن زمان هم مدیریت کارخانه تلاش نمود که با مقاومت و بی اعتنائی کارگران را به سرکار بازگرداند،

سخنی کوتاه

کشورها به احزاب بورژوازی و یا در بهترین حالت سوسیال دمکرات تبدیل گشتند، در کشور ما که انقلابیون صدرصد انقلابی پرورش داده است، این منتقدین به یک باره بر خود لقب، انتقادی، انقلابی، چپ کارگری، حزب کمو - نیست کارگری و سازمان صدرصد کارگری و انقلابی و خیلی انقلابی و... نام نهادند و این کار را نیز با کمال افتخار، انقلابی در بینش و گرایش خود نامیدند.

توگویی انحرافات سازمان های چپ ایران، بوروکراسی حاکم بر رهبرانش، ضعف آنها در سازماندهی پرولتاریا و زحمتشکنان، جدایی و انشقاق پی در پی شان و هزاران مسئله دیگر، فقط به خاطر آن بوده است که به دنبال نام - شان، دنباله کارگر و کارگری و انقلابی و انتقادی و... نداشته اند.

بسیاری از این افراد و کادرها و... که از این سازمانها بیرون آمده اند، به ناگهان به یاد دمکراسی حزبی، کار در میان توده ها و گرایش کارگری و... افتاده اند و به هروسویه بادی در غیغب انداخته و فحشی و ناسزایی نثار سازمانها و رهبران دیروزی می کنند، که بوروکراتیک اند و راستند و رابطه ای با توده ها ندارند، غیر انقلابی اند و... .

گویی که خود اینان در این سازمانها نبوده اند، که خود انگار هیچ نقشی در پیدایش و رشد و نگهداری این انحرافات نداشته اند. اینان که تا دیروز خود در این تشکیلات، همانند دیگران رفتار می کردند و هیچ گاه فکر دمکراسی تشکیلاتی به سرشان خطور نکرده بود و خود از بازتولید کنندگان اصلی بوروکراسی بودند و یا با سلام و تعارف از نزدیک رهبران می گذشتند و هیچ گونه انتقادی بر آنان نمی کردند (یا به خاطر فقر فرهنگی - ایدئولوژیک، یا رودروایی، یا تمکین، و یا این که خود از بازیگران اصلی بوده اند و یا... .) برنامه و استراتژی و تاکتیک و اصول و... را قبول داشتند (حداقل در ظاهر) و هیچ کس هیچ اشاره ای و نوشته ای و حرکتی از آنان در

فرپاشی دولت های اروپای شرقی و روی آوری کارگران و زحمتکشانش و... به احزاب و جریانات بورژوازی و ستیز با سیستم گذشته، اگرچه یک روند عادی تلقی گشت، اما چرخش خود این احزاب (در قدرت) و رهبران و کادرها... و انتقاد و دشمنی و عداوت آشکار و بی تاب آنها با آن سیستم، مضحکه عام شد. با فرپاشی دولتها و احزاب این کشورها، به ناگاه، رهبران و کادرها و وزیران و نمایندگان و... به مثابه کسانی که از کره دیگری بر زمین آمده بودند، در انتقاد و عداوت با سیستم گذشته، گوی سبقت را از مخالفین خود ربودند و حتی احزاب بورژوازی را نیز با این عداوت و دشمنی آچمز نمودند.

حزب و کادرها را دزد و بی فرهنگ و دیکتاتور و پست خطاب نمودند، سیستم و ایدئولوژی به اصطلاح حاکم بر آن را به باد انتقاد گرفتند و خود بر ویرانه های این احزاب و دولت ها کاخی ساختند تا دگر بار با استفاده از نام و نشان منتقدین همیشگی بر گرده کارگران و زحمتکشانش سوار شوند و از آنان سواری بکشند. تو گویی این رهبران حزب و دولت در آن کشور - ها کاره ای نبودند و هیچ دستی در مسائل نداشته اند، در پیدایش و نگهداری و رشد آن سیستم به اصطلاح پوسیده هیچ نقشی ایفا نکرده اند و از روز اول در صف مخالفین دولت و حزب و عملکرد آن بوده اند و بالاخره معلوم نگشت چه کسانی، حزب و دولت را به سوی از هم پاشی سوق داده و ضربه آخرین را بر مغزش کوفته اند.

اما این مسئله فقط بدین جا خاتمه نیافت و بازتاب خود را در کشورهای دیگر و احزاب و سازمانها و گروهها و محفل های چپ و کمو - نیستی نیز برجای گذاشت. در کشور ما نیز به ناگاه دگر اندیشانی از درون و بیرون سازمانها و گروههای چپ پیدا شدند که از روز اول خود را منتقد سیستم و تفکرات بوروکراتیک و برنامه و تاکتیک و... نام نهادند.

اگر در کشورهای سوسیالیستی، احزاب این

اما کارگران دست به مقاومتی یک پارچه و متحد زده و تنها پس از ۱۸ روز تعطیل کارها، سرمایه داران با خواسته های کارگران موافقت نمودند. این بار هم اعتصابیون می دانند که تنها مقاومت و مبارزه یک پارچه آنان در مقابل اجحافات روزافزون کارفرما راه بهبود شرایط کار و زندگی آنهاست. به همین دلیل عزم کارگران جزم است و مبارزه تا پیروزی نهایی ادامه خواهد یافت.

* اعتصاب کارگران در سیرالئون

روز ۱۵ آوریل، هزاران نفر از کارگران خدمات بیمارستان های سیرالئون ساختمان وزارت بهداشت این کشور را به اشغال خود در آوردند. این حرکت در پی اعتراضات گسترده این کارگران که از اواسط ماه مارس آغاز شده انجام گرفت. کارگران پس از ماهها مذاکره

صفحه ۵

و تلاش برای یافتن راه حلی برای مشکلات خود، سرانجام اواسط ماه مارس راه مبارزه مستقیم با مقامات دولت را در پیش گرفتند. این کارگران بیش از سه ماه است که هیچ دستمزدی از کارفرما دریافت نکرده و گرسنگی و محرومیت، خانواده های آنان را به نابودی کشانده است. در این مدت اعتصابیون با برپایی تظاهرات، راه پیمایی و در مواردی اشغال بیمارستانها تلاش نمودند که افکار عمومی را متوجه وضعیت فلاکت بار زندگی خود سازند. مقامات دولت راه حل این مشکل را تنها افزایش هرچه بیشتر فشار و تهدید کارگران اعتصابی دانسته و در این راه از هیچ اقدام سرکوبگرانه ای اباداشته اند. به رغم فشار و سرکوب روزانه از سوی مامورین پلیس و گرسنگی و فقر و فلاکت، کارگران اعلام نمودند که تا دریافت دستمزدهای معوقه به سر کارهای خود باز نمی گردند.

قراردارند، که از هم اکنون نیز از حمایت پشتیبانی سیاسی، تبلیغاتی و مالی دولت آمریکا برخوردارند. اینان نه فقط از پشتیبانی محافل ذی نفوذ هیئت حاکمه آمریکا برخوردارند، بلکه مورد حمایت و پشتیبانی دولت اسرائیل نیز قرار دارند که نقش و نفوذ آن در تحولات اخیر منطقه افزایش یافته است.

به رغم اخباری که در روزهای اخیر در مورد خلع سلاح مجاهدین خلق توسط نظامیان آمریکایی در عراق انتشار یافته است، نیروی دیگری که آمریکادارین شکل دهی به یکجبهه متحد از اپوزیسیون بورژوازی رژیم روی آن حساب می‌کند، سازمان مجاهدین خلق ایران است. مجاهدین خلق در طول چندین سال گذشته تلاش زیادی نمودند که از حمایت و پشتیبانی رسمی دولت آمریکا برخوردار گردند. آنها در مقطعی حتا از حمایت بخش قابل ملاحظه‌ای از سیاستمداران و سناتورهای آمریکایی برخوردار شدند. در پی جنگ اول خلیج، تدریجا دامنه حمایت از آنها کاسته شد. اما دولت آمریکا همچنان مناسباتی غیررسمی با آنها داشت. پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا نام آنها را در لیست گروههای تروریست قرار داد، اما در واقع این سیاست خود دولت آمریکا در قبال مجاهدین نبود. بلکه سیاست اتحادیه اروپا و فشار دولت های انگلیس و فرانسه بود. این واقعیت در جریان بمباران های شدید آمریکا در عراق نیز نشان داده شد که مقرهای مجاهدین مورد بمباران نیرو های نظامی آمریکا قرار نگرفت. دولت آمریکا حتا قصد خلع سلاح مجاهدین را نیز نداشت بلکه زیر فشار متحد خود، دولت انگلیس و قرار و مدارهای آن با جمهوری اسلامی، سرانجام آنها را خلع سلاح کرد. اکنون مقامات سیاسی و نظامی آمریکا زرمزه های آنرا آغاز نموده اند که نام مجاهدین را از لیست گروه های تروریست خود حذف کنند و مجاهدین نیز در تلاشند با نزدیکی بیشتر به آمریکادرمحاسبات جدید آمریکا نقش خود را ایفا نمایند.

برخی احزاب، سازمان ها و گروههای سیاسی دیگر نیز حمایت خود را رسماً علناً از آمریکا و برنامه های آن اعلام نموده اند و در تلاش برای جلب حمایت و پشتیبانی آن برآمده اند. مهم ترین آنها حزب دمکرات کردستان ایران است که در بانه پایانی پلنوم فروردین ماه خود از بارقه امیدی سخن می‌گوید که آمریکا "درد خلق" های تحت ستم منطقه و مردم گرفتار در دست واپسگرایی و استبداد" به وجود آورده است. اما اگر حزب دمکرات کردستان ایران حرف خود را صریح زده است، کم نیستند گروهها و سازمان هایی که همین موضع را دارند، معذراً هنوز به صراحت آنرا بر زبان نمی آورند. نه فقط در کردستان بلکه در سراسر ایران. می توان گفت که لااقل اپوزیسیون بورژوازی نیمه قانونی رژیم جمهوری اسلامی از قبیل گروه های ملی و مذهبی و حتا گروهی از وابستگان به جناح موسوم به جبهه

رد و یا حتا تردید در برنامه و استراتژی و تاکتیک و شیوه سازماندهی و . . . ندیده بودند، به ناگهان و به محض بیرون آمدن از تشکیلات (اخراج، استعفاء و هردلیل دیگر) پرچم مبارزه ایدئولوژیک و سازمانی و . . . را بلند کرده و آنچه آن فریادی بر می آورند که تو انگاری تا دیروز دهانشان را با صدمین پارچه و باندول بسته بودند، که هیچ حرفی نمی توانستند بزنند و با این که آنچه آن دمکراسی تشکیلاتی سخن می‌گویند که انگاری، باور چندین و چند سال آنان است و اصلاً خود آنها، اولین بار این کلمه را به وجود آورده اند، و آنان در چندین سال مبارزه با چپ و راست و دیکتاتوری و اپورتونیست و بانوشتن صدها کتاب و جزوه و سخنرانی های بسیار و مبارزه با بورکراسی تشکیلاتی و مبارزه تئوریک و . . . به یک چنین تئوری دست یافته اند که هم امروز که از سازمانی بیرون آمده اند، چنان می‌کنند و چنان می شوند و جهانی را تغییر می دهند و . . . فی البدهه برای خود نام کارگر انقلابی و یا چپ کارگری، انتقادی و انقلابی می گذارند و دنیا را رنگین و زیبا می یابند و آنگاه فداره های فحش و ناسزا را بر کمر می‌بندند و در ظاهر به سراغ افکار غلط گذشته (از ایدئولوژی گرفته تا تشکل و کار تشکیلاتی و توده های و . . .) می‌روند. بدون آن که معلوم دارند که خود در کجا ایستاده بودند و سهم آنان در این مهم چیست و بیان کارشان در این گیر و دار کدام است. اینان دیگران را به فحاشی متهم می‌سازند و با این کار خود را آزاد می یابند که به دیگران هر آنچه می خواهند بگویند. دیگران را به سوء استفاده و بهره برداری از نام متهم می‌نمایند، اما بر خود هرنامی را که شایسته می‌دانند می گذارند. شیوه برخورد دیگران را به باد انتقاد قرار داده و آن را به مسخره می‌گیرند، اما خود، همان شیوه ها را در برخورد به دیگران بر می گزینند و تمامی را نیز به حساب انقلاب در تفکر سنتی چپ می گذارند و یقه خود را از انتقاد به خود و اعتراف به اشتباهات رها شده می‌پندارند.

از این نوع انقلابیون، مثلاً عده ای در اتحاد چپ کارگری جمع شده اند و برخی نیز بر خود نام و نشان فدایی اسبق و امروز و دیروز گذاشته اند و تمام هنر خود را به کار برده اند و انقلابی

کرده اند و در فکر و بینش سازماندهی و نظم و انضباط و . . . و به ناگاه با یک گردش قلم بر خود نام اتحاد کارگری و آن هم از نوع چپش را گذارده اند و کمال انقلابی گری را نیز در آن می بینند که هر از گاهی فحشی و ناسازی نثار برخی از رهبران اقلیت نمایند و با این کار انقلابی، خوش و خوشحال سر آسوده بر بالین نهند و وظیفه انقلابی خود را انجام داده باشند، اما چرا این برخی فدایی دیروز و امروز و فردا به جای نقد مواضع اقلیت به نقد رفتار و کردار برخی از اعضاء آن می‌پردازند و از درگیری در مباحث تئوریک و سیاسی روز طفره می‌روند و تمامی هم و غم خود را بر شاید کج روی های برخی از رهبران گذارده اند و به راستی این عده ای از فدائیان دیروز و امروز خود در موقع بروز این کج روی ها کجا بوده اند و چه دستی در ماجرا داشته اند و چه کسی از اینان نقدی بر اعمال گذشته خویش دیده است و . . .

خلاصه کلام آن که، آن گاه که نقد از پس مبارزه تئوریک - سیاسی بر نمی آید به ترور شخصی و شخصیتی پناه می‌برد، شخصیت دیگران را پایمال می‌کند تا شاید برای خود شخصیتی کاذب دست و پا نماید. هدف او این جا اصلاح و تغییر مخالف نیست، بل سربه نیست کردن او است. این جا دیگر هدف پیدایی راه و چاره ای جدید برای نیمه بودن دگر باره خطا نیست، بل هدف، پنهان نمودن حقیقت است و حقیقت آن است که پس از بیست سال مواضع اقلیت هنوز پای برجاست و این آن راز پنهانی است که این فدائیان دیروز و امروز، ناتوان از پرداختن به آنند.

"اما این همه، این موضوع، موضوع انتقاد نیست همچنان که یک جانی که در سطح پائین تری از انسانیت قرار دارد موضوع جلا داد است. انتقادی که با این اوضاع پیکار می‌کند، شوریدگی مغز نیست، مغز شوریدگی است. این انتقاد چاقوی تشریح بدن نیست سلاح است. موضوع آن، دشمن است، دشمنی که نمی‌خواهد بر رد او اقامه دلیل کند، بلکه می‌خواهد نابودش سازد. چرا که روح آن اوضاع خود به خود ابطال شده است. این اوضاع فی حد ذاته، موضوعاتی در خور تفکر نیستند، بلکه وجودهایی هستند که همان قدر تحقیر آمیزند که نفرت انگیزند. انتقاد نیازی ندارد که با این موضوع از در تفاهم درآید، چرا که حسابش با آن روشن است. انتقاد در این جا دیگر هدف نیست، بلکه هنوز وسیله است. جوش و خروش اصلی او، برآشفتنگی است و کار اصلی اش اعلام جرم" (مارکس)

ف- آروین

با یکدیگر مسابقه گذاشته اند و آمریکا نیز در پی اجرای نقشه های خود در منطقه و ایران است، نیروی دیگری نیز دست اندر کار تحولات است که می تواند تمام این محاسبات و معادلات را درهم بریزد و آن توده های کارگر و زحمتکش ایرانند که علیه تمام مرتجعین قد علم کرده اند. این که تحولات سیاسی آینده چگونه رقم خواهد خورد، وابسته به نقشی است که این نیرو در جریان تحولات ایران ایفا خواهد نمود.

دوم خرداد نیز نیروی بالقوه همین جبهه اند. اینان ظاهراً در این مسابقه ای که در لحظه کنونی میان رژیم و گروه های اپوزیسیون بورژوازی برای جلب حمایت و پشتیبانی آمریکا در جریان است، هنوز پنهانند، اما نیروی همین جبهه اند و در جریان تحولات آتی خود را علنی تر خواهند ساخت.

آن چه تاکنون گفته شد، البته تنها یک جنبه از تلاش برای شکل دهی به تحولات آینده در ایران است، اما جنبه دیگر آن هنوز ناگفته مانده است. در حالی که رژیم و اپوزیسیون های بورژوازی آن برای جلب حمایت آمریکا

مراسم اول ماه مه، روز مبارزه با استثمار و جنگ طلبی

گزارش مراسم روز جهانی کارگر در جهان

بیکاری و افزایش فشارهای اقتصادی برتوده -های کارگر و زحمتکش اعتراض کردند. در این مراسم که اعضاء اتحادیه های کارگری حضور چشمگیر داشتند، به دولت آلمان هشدار داده شد که اتحادیه های این کشور را دست کم نگیرد. در ایالت هسن آلمان به فراخوان اتحادیه های "د.گ. ب" و "ا.ی.گ. متال" هزاران تن در میتینگ و جشن روز کارگر شرکت نمودند. تظاهرات در هامبورگ نیز از سوی پلیس با شلیک گاز اشک آور مورد حمله قرار گرفت. در سراسر آلمان طی این روز بیش از یک میلیون نفر روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

در دهها شهر دانمارک نیز کارگران روز اول ماه مه را گرامی داشتند و با برپایی گردهم - آبی و تظاهرات، همبستگی خود را با دیگر کارگران جهان اعلام داشتند. از اولین ساعات بامداد، هزاران کارگر در اتحادیه های کارگری، گردهم آمده و خود را برای راهپیمایی به سمت محل برگزاری مراسم این روز آماده نمودند. سخنرانان مراسم بامدادی اول ماه مه، مخالفت کارگران را با اشغال نظامی عراق توسط ائتلاف امپریالیست ها به سرکردگی آمریکا، اعلام داشتند. در طی همین سخنرانی ها، نمایندگان کارگران به افشای سیاست های سرمایه داران علیه کارگران پرداخته و از کارگران خواستند اجازه ندهند هزینه های این جنگ بردوش کارگران سرشکن شود. پس از پایان مراسم بامدادی، دهها هزار کارگر در چندین شهر دانمارک به خیابان ها آمدند و به طرف محل برگزاری این مراسم راه پیمایی کردند. شعار راه - پیمایان، خروج اشغال گران از عراق و مبارزه با بیکاری بود. در شهر کپنهاگ هزاران نفر در این مراسم شرکت کردند. امسال نیز مثل چند سال گذشته، حضور انبوهی از جوانان در این مراسم، نشان از اهمیت بزرگداشت این روز و روی آوری بخش زیادی از جوانان به سمت سیاست های رادیکال بود.

در سوئیس نیز دهها هزار تن از کارگران و کمونیست های این کشور در شهرهای مختلف به مناسبت اول ماه مه به تظاهرات و راه - پیمایی پرداختند. فعالین سازمان در شهر برن سوئیس ضمن شرکت در تظاهرات و حمل پلاکاردهایی که به همین منظور تهیه شده بود، به توزیع بیانیه سازمان در میان تظاهرکنندگان پرداختند.

در شهرهای مختلف فرانسه صد ها هزار نفر در بیش از ۲۰۰ تظاهرات به مناسبت اول

اخباری از ایران

اعتراض به مشکلات و وجود نارسایی های آموزشی و رفاهی، باردیگر دست به اعتراض و تحصن زدند. به دنبال یک رشته اعتراضات دانشجویان این دانشگاه از سوی مقامات و مسئولین وعده داده شده بود که به خواست ها و مطالبات دانشجویان رسیدگی می شود. اما بعد از آن که مقامات به هیچیک از وعده های خود عمل نکردند، دانشجویان مجددا دست به تحصن زده و تهدید کرده اند این بار تحصن آنها آرام نخواهد بود و تجمع خود را بهوزرات علوم نیز خواهند کشاند.

- جمع زیادی از دانش جویان "انترن" و "استیجر" دانشگاه علوم پزشکی بهشتی، در اعتراض به وضعیت نامناسب وسایل و امکانات رفاهی و آموزشی، در بیمارستان بوعلی دست به تجمع زدند.

- دانش جویان دانشگاه چمران اهواز، در اعتراض به وضعیت نامناسب و کمبود امکانات آموزشی و رفاهی، در برابر مجتمع خوابگاهی این دانشگاه دست به تحصن زدند.

* سوء استفاده جنسی از کودکان خیابانی

طبق یک بررسی و پژوهش که توسط یک استاد -یار روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی، در زمینه افسردگی و سوء استفاده جنسی از کودکان خیابانی انجام شده است، ۵۱/۲٪ کودکان خیابانی دچار افسردگی هستند. در صد افسردگی در میان پسران ۴۸/۲ و در میان دختران ۸۶/۷٪ بوده است. و ۲۰٪ کودکان مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند. لازم به ذکر است که این بررسی مربوط به آن دسته از کودکان خیابانی است که روزها در خیابان به کارهای مختلف مشغولند و شبها نزد والدین یا بستگان خود سکونت دارند و کودکان "کارتن خواب" را که شبها در محل های متروکه و خیابان به سر می برند، دربر نمی گیرد.

* چند خبر کوتاه

- کارخانه نخ ریسی مشهد که یکی از بزرگ ترین واحدهای نساجی با هفتاد سال سابقه است، رسماً تعطیل شد و ۶۰۰ کارگر این کارخانه اخراج و از کار بیکار شدند. در یک ماه گذشته، شرکت تولیدی مواد غذایی زرین گندمک نیز در اقدام مشابهی، کارگران را اخراج کرد.

- نزدیک به ۵۰۰ تن از جوانان بیکار شهرستان سرخس، در ۱۷ اردیبهشت دست به تجمع زده و خواستار کار و اشتغال شدند.

- دکه داران اهوازی در اعتراض به پرداخت مبالغی که شهرداری تحت عنوان عوارض، تعیین و از آنان مطالبه شده است، از روز ۱۶ اردیبهشت به مدت چند روز دست به اعتصاب زدند.

دست به تجمع زدند و جاده خاوران را به مدت ۳ ساعت مسدود ساختند. شهرک خاور شهر، در ۷ کیلومتری جاده خاوران واقع شده است و ساکنین آن از لحاظ خدمات و امکانات شهری به ویژه آب آشامیدنی شدیداً در مضیقه قرار دارند.

* اعتراض کارگران درخشان یزد

کارگران نساجی درخشان یزد که حدود ۱۰ ماه است دستمزدهای آنان پرداخت نشده، نسبت به این مسئله و نیز تشدید فشارهای هیئت مدیره شدیداً اعتراض دارند. به دنبال تجمع اعتراضی این کارگران در آخرین روز سال ۸۱ و مسدود ساختن خیابان چمران (خیابان مقابل کارخانه) هیئت مدیره وعده داده بود که به خواست کارگران رسیدگی کند ولی به هیچیک از وعده های خویش عمل نکرد و حتا چند تن از کارگران قراردادی را نیز اخراج نمود. کارگران نسبت به این زورگویی های هیئت مدیره اعتراض دارند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود می باشند.

* اعتراض کارگران شهرداری

جمع زیادی از کارگران شهرداری، روز نهم اردیبهشت، همزمان با آغاز به کار فعالیت دومین شورای اسلامی شهر تهران، در برابر ساختمان شورای شهر، دست به تجمع زدند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. این کارگران در سال های ۷۱ تا ۷۶ با خرید شده اند و چندین بار دست به اعتراض زده اند و خواستار بازگشت به کار شده اند. شایان ذکر است که یک عضو شورای شهر با حضور در میان کارگران، چنین وعده داد که به زودی به این مسئله رسیدگی خواهد شد.

* تجمع اعتراضی پرستاران

صبح روز سه شنبه ۸ اردیبهشت، جمع زیادی از پرستاران، به نشانه اعتراض به شرایط کار، از جمله اضافه کاری ها، مرخصی های اجباری، کمبود بودجه، کمبود نیروی کار و امثال آن، در دانشگاه علوم پزشکی تهران، دست به تجمع زدند و خواستار رسیدگی و پاسخگویی به مطالبات خود شدند.

* اعتراضات دانشجویی

جمع زیادی از دانشجویان دانشگاه تربیت دبیر رجایی، که از ششم اردیبهشت دست به تحصن زده بودند، چندین روز به تحصن ادامه دادند. دانشجویان نسبت به سیستم اداری، آموزشی، پژوهشی اعتراض دارند. به دنبال این تحصن، کلاس های دانشگاه تعطیل شده است. دانشجویان گفتند تا رسیدن به خواست های خود، به تحصن ادامه خواهند داد.

- دانش جویان دانشگاه هنر اصفهان، در

مراسم اول ماه مه، روز مبارزه با استثمار و جنگ طلبی

گزارش مراسم روز جهانی کارگر در جهان

ماه مه شرکت کردند. شعارمحموری تظاهرات -های اول ماه مه امسال فرانسه در اعتراض به قوانین دردست تصویب در رابطه با باز نشستگی ها بود. دولت نئو لیبرال شیراک-رافارن می خواهد سابقه ی کار برای باز نشستگی کامل را به ۴۲ سال افزایش داده و در عین حال حقوق بازنشستگی را کاهش دهد.

در پاریس ۴۰۰۰۰ نفر، در مarse ۴۰۰۰۰ نفر و تولوز ۱۵۰۰۰ نفر از جمله صدها هزار کارگر و زحمتکشی بودند که در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند. در پاریس بروی نخستین باندرویل تظاهرات نوشته شده بود:

"همیسته برای بازنشستگی ها، کار و صلح". در پاریس کمیته برگزار کننده اول ماه مه مانند سالهای گذشته در تظاهرات مشترک اتحادیه های (ث. ژ. ت) و (ث. اف. د. ت) و (اف. اس. نو) فعالانه شرکت کرد. این کمیته شعارهای سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران، زنده باد آزادی و سوسیالیسم را روی وانتی نصب کرده بود و از بلند گوی آن موسیقی و سرود وترانه پخش می کرد. در ضمن کمیته ایرانی برگزارکننده اول ماه مه در پاریس اطلاعیه ای منتشر نمود که در آن جنگ امپریالیسم آمریکا در عراق محکوم شده است. در بخش دیگری از اطلاعیه آمده است:

طبقه کارگر ایران در شرایطی به استقبال روزاول ماه مه می رود که همچنان از ابتدایی ترین حقوق خود مانند تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری، تظاهرات، اعتصابات و قوانین کاری عادلانه محروم است.

در روسیه نیز چون سال های پیش، هزاران تن با در دست داشتن پرچم سرخ در مسکو دست به راهپیمایی زدند.

در بسیاری از شهرهای اسپانیا بیش از ۲۰۰ هزار نفر به تظاهرات پرداختند. با توجه به حمایت دولت اسپانیا از تجاوز نظامی امپریالیستی به عراق، با شعار "نه به جنگ" در راهپیمایی ها شرکت نمودند.

در لندن هزاران نفر در اعتراض به تجاوز نظامی به عراق که با مشارکت امپریالیسم انگلیس همراه بود، به تظاهرات پرداختند.

در این روز تظاهرات برخی گروه های آثار-شیستی که به انتشار لیست اسامی دهها کارخانه تولید کننده مواد اولیه سلاح های شیمیایی در انگلیس دست زده بودند با سرکوب شدید پلیس مواجه شد و دهها تن از آنان دستگیر شدند. در همین روز تظاهرات دیگری از سوی بیش از ۳۰۰۰ تن از اعضای اتحادیه کارگری در لندن برگزار شد.

در کوبا همچون هر سال، بیش از یک میلیون نفر در هاوانا در میتینگ اول ماه مه شرکت کردند.

در ترکیه تظاهرات اول ماه مه در استانبول به زدو خورد شدید با پلیس منجر شد. هزاران تظاهر کننده به دادن شعار علیه دولت این کشور پرداختند. تظاهرکنندگان به عدم کمک رسانی دولت ترکیه به زلزله زدگان اخیر در این کشور اعتراض کردند. تظاهرکنندگان شعار می دادند که دولت ترکیه به جای حمایت از آمریکا و انگلیس به حمایت از زلزله زدگان بپردازد. در جریان این تظاهرات دهها تن زخمی شدند.

در هلند نیز فعالین سازمان ما همراه با سایر نیروهای چپ و فعالین نشست مشترک، در تظاهراتی که توسط سازمان های چپ هلند به مناسبت روز جهانی کارگر در روتردام برگزار گردید، شرکت کردند. فعالین سازمان، بیانیه سازمان به مناسبت اول ماه مه و نیز اطلاعیه شورای هماهنگی نشست مشترک به همین مناسبت را توزیع کردند.

در شهرسیدنی استرالیا نیز فعالین سازمان ما همراه با برخی دیگر از جریان های سیاسی چپ، در کمیته ای به نام "کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه" مراسمی در گرامیداشت روزاول ماه مه برگزار نمودند. در این مراسم آندرو فرگوسن رئیس اتحادیه کارگران ساختمانی و نیز سخنرانان دیگری از حزب کمونیست استرالیا، سازمان اسپار تاکسیست - ها و سازمان انترناسیونالیست سوسیالیست، به ایراد سخنرانی پرداختند. شعر خوانی و اجرای سرود و رقص و پایکوبی، بخش دیگری از این مراسم بود.

در سوئد نیز دهها هزار نفر در مراسم اول ماه مه شرکت کردند. طبق سنت هر ساله، فعالین سازمان در شهرهای مختلف سوئد با شرکت در صفوف تظاهرات حزب کمونیست مارکسیست لنینیست انقلابی، اول ماه مه را گرامی داشتند. از موضوعات اصلی مطرح شده در اول ماه مه امسال علاوه بر مشکلات داخلی نظیر بحران اقتصادی و بیکاری و مسئله عضویت سوئد در واحد پول اروپایی، جنگ و حضور نظامی امپریالیست ها در منطقه بود.

فعالین سازمان با پخش اطلاعیه به مناسبت اول ماه مه وضعیت حساس منطقه و ایران و موقعیت طبقه کارگر و ضرورت انقلاب را برای تظاهرکنندگان تشریح کردند.

فعالین نشست مشترک در استکهلم امسال

خلاصه ای از اطلاعیه ها

و بیانیه های سازمان

«اعتصاب و گردهم آیی های سراسری معلمان» عنوان اطلاعیه ای است که در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه توسط سازمان انتشار یافت.

در این اطلاعیه گفته شده است که با فراخوان تعدادی از تشکل های معلمان و فرهنگیان، امروز، باردیگر معلمان در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود دست از کار کشیدند و دهها هزار تن معلم در تهران، اصفهان، شیراز، خراسان، آذربایجان و چند شهر دیگر با برگزاری تجمعات اعتراضی در مقابل اداره های آموزش و پرورش خواهان تحقق فوری مطالبات خود شدند.

اطلاعیه سپس با اشاره به مبارزات معلمان در دو سال گذشته، خبر از سرکوب معلمان در برخی شهرها و دستگیری تعدادی از آنها داده است.

اطلاعیه سازمان، با برشمردن تعدادی از مطالباتی که معلمان در ۲ سال اخیر برای تحقق آنها مبارزه کرده اند، خاطر نشان می سازد که معلمان سراسر کشور بار دیگر اعلام نمودند که به مبارزه و اعتراضات تا تحقق کامل مطالبات خود ادامه خواهند داد.

در پایان این اطلاعیه نیز، سازمان ما، ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه ای که علیه معلمان صورت گرفته است، حمایت خود را از مبارزات و مطالبات آنها اعلام نموده و خواهان تحقق فوری این مطالبات شده است.

به پخش هزاران اطلاعیه اول ماه مه و ترجمه "بیانیه مشترک" به زبان سوئدی در صفوف حزب چپ، حزب کمونیست مارکسیست لنینیست انقلابی و سندیکالیست ها تلاش کردند تا به سهم خود، اوضاع جنبش کارگری و وضعیت عمومی مردم ایران را برای تظاهرکنندگان توضیح دهند. در ضمن یکی از فعالین این نشست سخنانی را در مورد جنگ، اوضاع منطقه و ایران در میتینگ حزب کمونیست مارکسیست لنینیست انقلابی انجام داد که مورد استقبال قرار گرفت. در شب اول ماه مه نیز جشن همبستگی با جنبش کارگری برگزار گردید. در این مراسم ابتدا، یکی از فعالین جنبش کارگری به سخن رانی پرداخت و سپس با اجرای موسیقی، مراسم ادامه یافت.

در فرانکفورت آلمان نیز توسط نیروها و فعالین نشست مشترک، مراسمی به مناسبت سالروز اول ماه مه برگزار گردید. این مراسم، با اجرای سرود انترناسیونال آغاز شد و با سخنرانی هایی در مورد اوضاع جهان و ایران، وضعیت طبقه کارگر در ایران ادامه یافت. شعرخوانی، اجرای ترانه سرودهای انقلابی، بخش دیگر این مراسم بود.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

بحرانی جدید در پیش است

شورای نگهبان حکومت اسلامی، یک ماه پس از لایحه اصلاح قانون انتخابات، دومین لایحه پیشنهادی دولت، به نام لایحه تبیین اختیارات رئیس جمهوری را نیز رد کرد. با رد این لایحه، آخرین امید طرفداران خاتمی هم به یاس مبدل شد.

اکنون چه پیش خواهد آمد؟ آیا اوضاع به روال گذشته پیش خواهد رفت که طرفداران خاتمی به ویژه در مجلس ارتجاع اسلامی تهدیدهای توخالی خود را تکرار خواهند کرد و پس می نشینند، یا اوضاع به نقطه‌ای رسیده است که ایجاب می کند، اتفاقی رخ دهد؟

دو روز پیش از آن که شورای نگهبان رسماً نظر خود را اعلام کند، طرفداران خاتمی در مجلس که از این تصمیم آگاه شده بودند نخستین واکنش خود را نشان دادند. در ۱۷ اردیبهشت، ۱۵۴ تن از نمایندگان مجلس ارتجاع با انتشار یک بیانیه، بار دیگر به یاد "ملت قهرمان ایران" افتادند. آنها در بیانیه خود به شرایط حساسی اشاره نمودند که با تحولات داخلی و خارجی در اطراف ایران، طی دو سه سال اخیر، کشور با آن روبرو شده است، هشدار دادند نسبت به هرگونه خطا و لغزشی از سوی بخشی از حاکمیت یا نیروهای سیاسی که می تواند به فاجعه‌ای منجر شود. اعلام نمودند که "ما نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم بر این نظریه که راه برون رفت از این وضعیت حساس و ویژه، جز تکیه بر راهبرد اصلاحات و اعتماد سازی در سطح ملی و بین‌المللی ممکن نیست". به رقیب خود هشدار دادند که "مخالفتان اصلاحات از ما انتظار سکوت به بهانه وجود خطر خارجی نداشته باشند." و بالاخره این که به "ملت قهرمان ایران" هم قول دادند که "تمام تلاش خود را برای دفاع از حقوق مردم و برون رفت از وضعیت فعلی" به کار خواهند برد. همان‌گونه که از نقل قول های فوق‌الذکر بر می آید، چیز جدیدی جز حرف های تکراری پیشین در این بیانیه نیست. در عین حال اینان در پی این نامه، از طریق مصاحبه‌های مطبوعاتی، از رفراندوم و استعفا سخن به میان آوردند که این نیز چیز دیگری جز تهدیدات گذشته نیست.

با این همه با در نظر داشتن تمام اوضاع داخلی و بین‌المللی، می‌توان با استناد به همین شرایط نتیجه گیری کرد که احتمال وقوع یک بحران جدید در میان دو جناح هیئت

حاکمه بیش از هر زمان دیگر ممکن است و زمینه های آن از هم اکنون موجود است. به دو فاکتور مهم در این میان می توان اشاره کرد.

اولا - چند ماهی دیگر به پایان دوره ششم مجلس ارتجاع باقی نمانده است. آنچه که مسجل است و جریان به اصطلاح انتخابات شوراهای اسلامی رژیم نیز آن را نشان داد، این بار، مردم ایران یک پارچه تر و همه جانبه‌تر از گذشته انتخابات فرمایشی رژیم را تحریم خواهند کرد. این تحریم به معنای آن است که طرفداران خاتمی دیگر با توسل به شعار "اصلاحات" که دوره مصرفش مدتهاست سپری شده است، امکانی برای تکیه زدن بر کرسی های مجلس نخواهند داشت. شورای نگهبان هم پیشاپیش اعلام کرده است که دیگر ملاحظه‌ای در کار نخواهد بود و این بار جناح طرفدار خاتمی را قلع و قمع خواهد کرد. لذا آنها برای این که بتوانند یک بار دیگر از مزایای نمایندگی "ملت قهرمان ایران" برخوردار شوند، باید شرایطی را فراهم کنند که جناح رقیب خود را به عقب نشینی‌هایی وادارند و چنانچه بتوانند در محدوده ای بخشی از مردم را به طرفداری از خود به پای صندوق رای بکشانند. چنین چیزی نیز ممکن نیست، مگر از طریق یک بحران جدید که هم می تواند جناح مقابل را به دادن امتیاز وادارد و هم ممکن است در بخشی ولو محدود از مردم توهمی پدید آورد.

ثانیاً- فاکتور دیگر، تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی است. اگر این واقعیتی است که تحولات منطقه به زودی تاثیر خود را در ایران نیز برجای می‌نهد و اگر این نیز واقعیتی است که جمهوری اسلامی برای نجات خود از مخمصه موجود در تلاش است خود را در محدوده ای با این تحولات هم‌آهنگ کند. طرفداران خاتمی در همین لحظه است که می‌توانند ابتکار عمل را به دست بگیرند. اما با ادامه وضع موجود نمی‌توانند چنین کنند. لذا در پی راه دیگری سوی تاکتیک های گذشته خواهند بود. با استناد به همین دو فاکتور می‌توان انتظار داشت که در طول چند ماهی که به پایان دوره مجلس ششم باقی مانده است، تنش های تازه ای در میان دو جناح بروز کند و رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران درونی جدید روبرو گردد.

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian - minority.org

KAR

Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 405 mei 2003

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی